

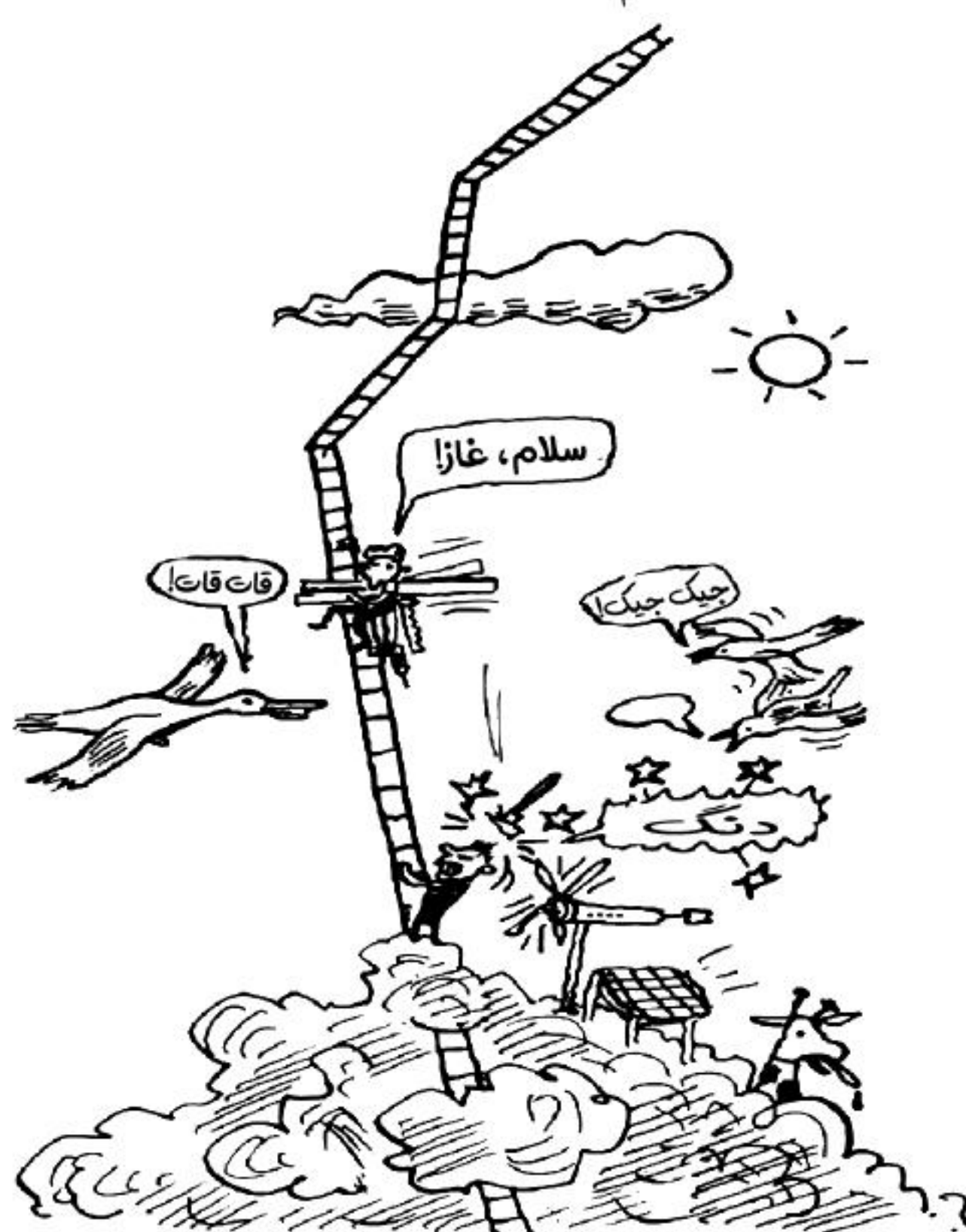
فصل اول: خانه درختی ۱۵۶ طبقه



سلام. من اندی هستم.
این هم دوستم تری است.



مادر یک درخت زندگی می‌کنیم.



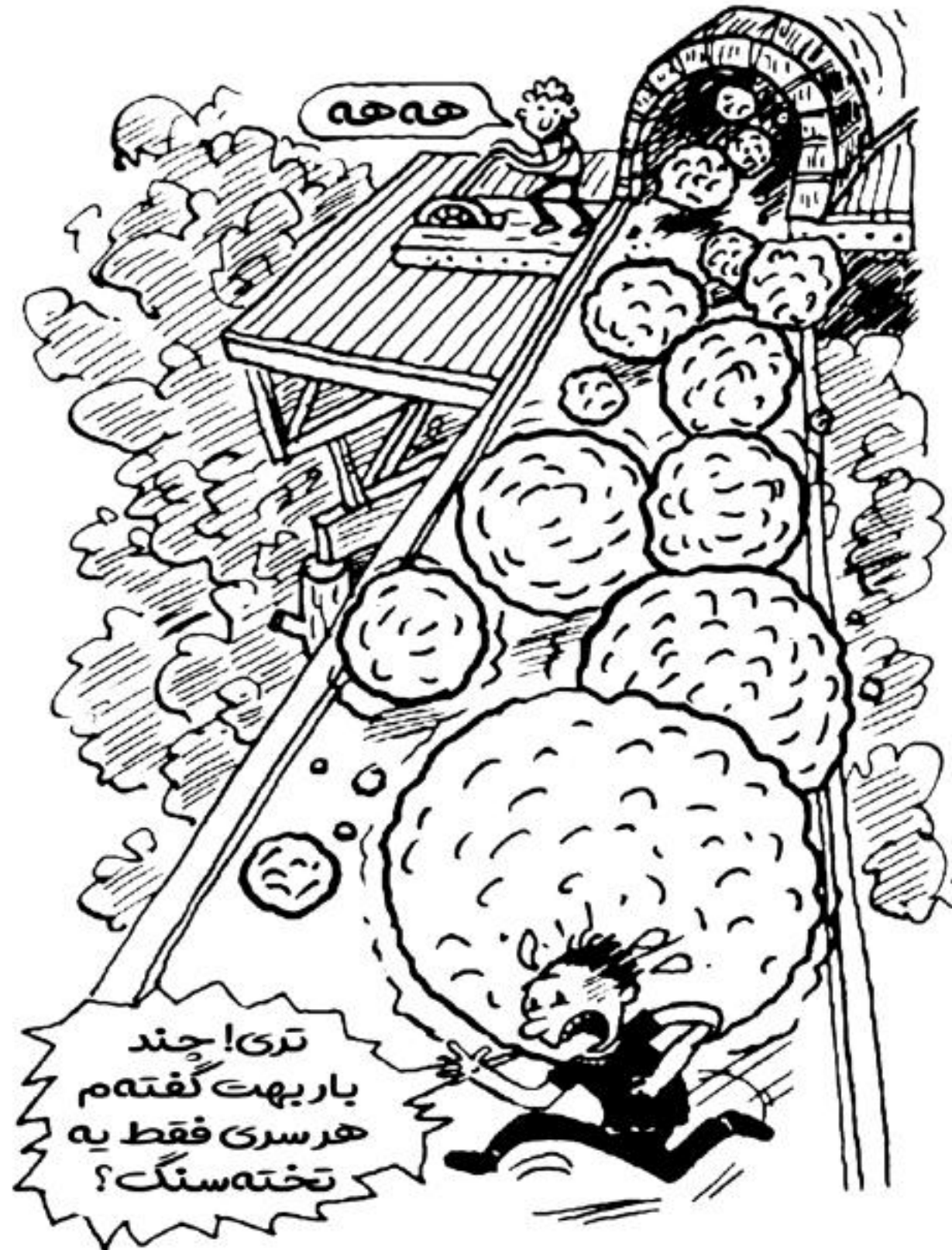
وقتی می‌گویم درخت، منظورم خانه درختی است و وقتی می‌گویم خانه درختی، منظورم خانه درختی‌های قدیمی نیست، بلکه یک خانه درختی ۱۵۶ طبقه است (قبلاً ۱۴۳ طبقه بود، ولی سیزده طبقه دیگر هم به آن اضافه کردیم).



پس منتظر چی هستید؟
بیایید بالا!



مایک باریکه سنگی اضافه کرده ایم (درست مانند بولینگ است، فقط به جای توپ از تخته سنگ استفاده می کنید).



یک چاه آرزو،

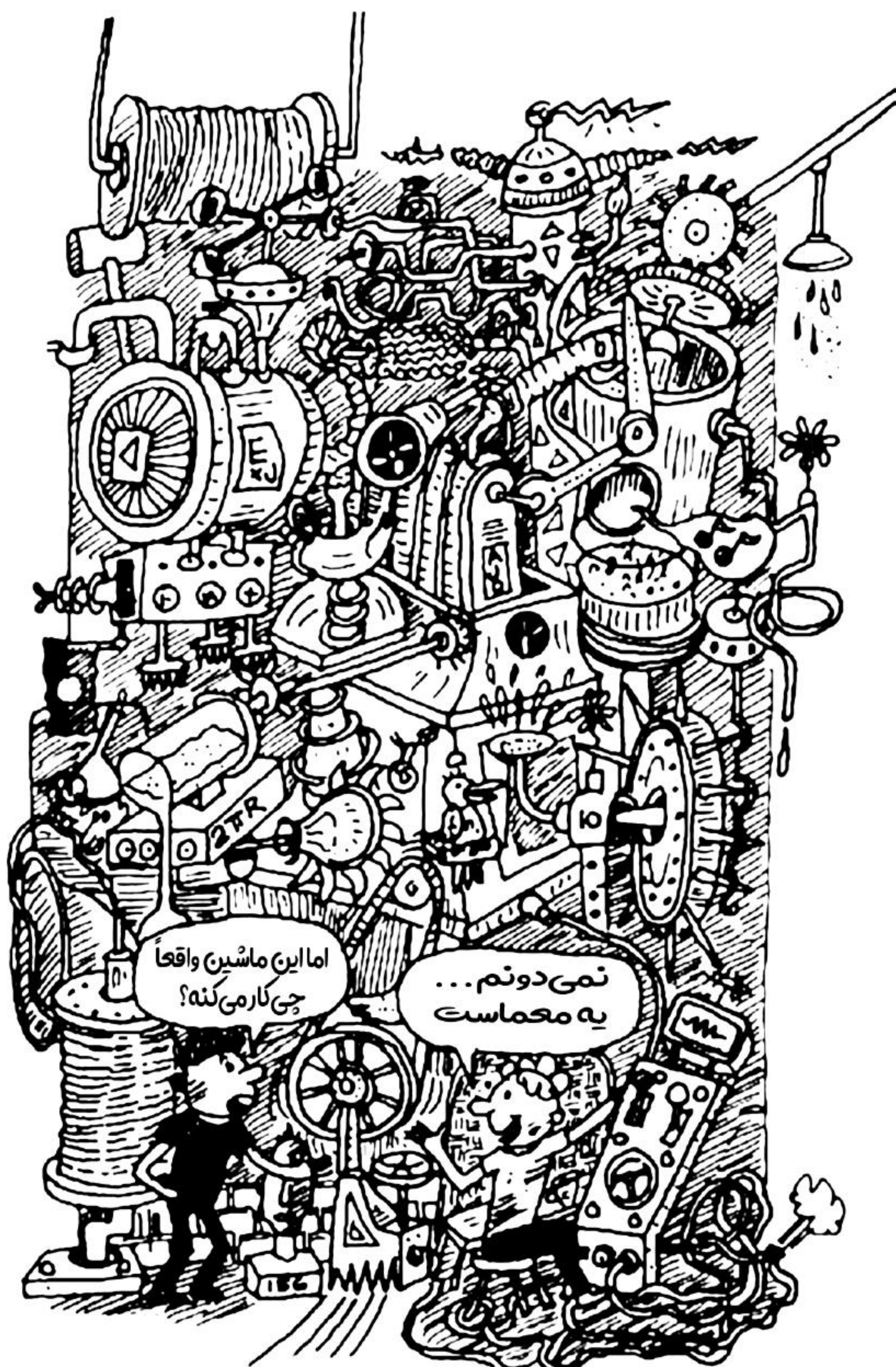


ویک آکواریوم سرزمین عجایب (خانه کوازجکس، سمندر بدلکار)،



ویک اردوگاه چکمه‌های قدیمی،

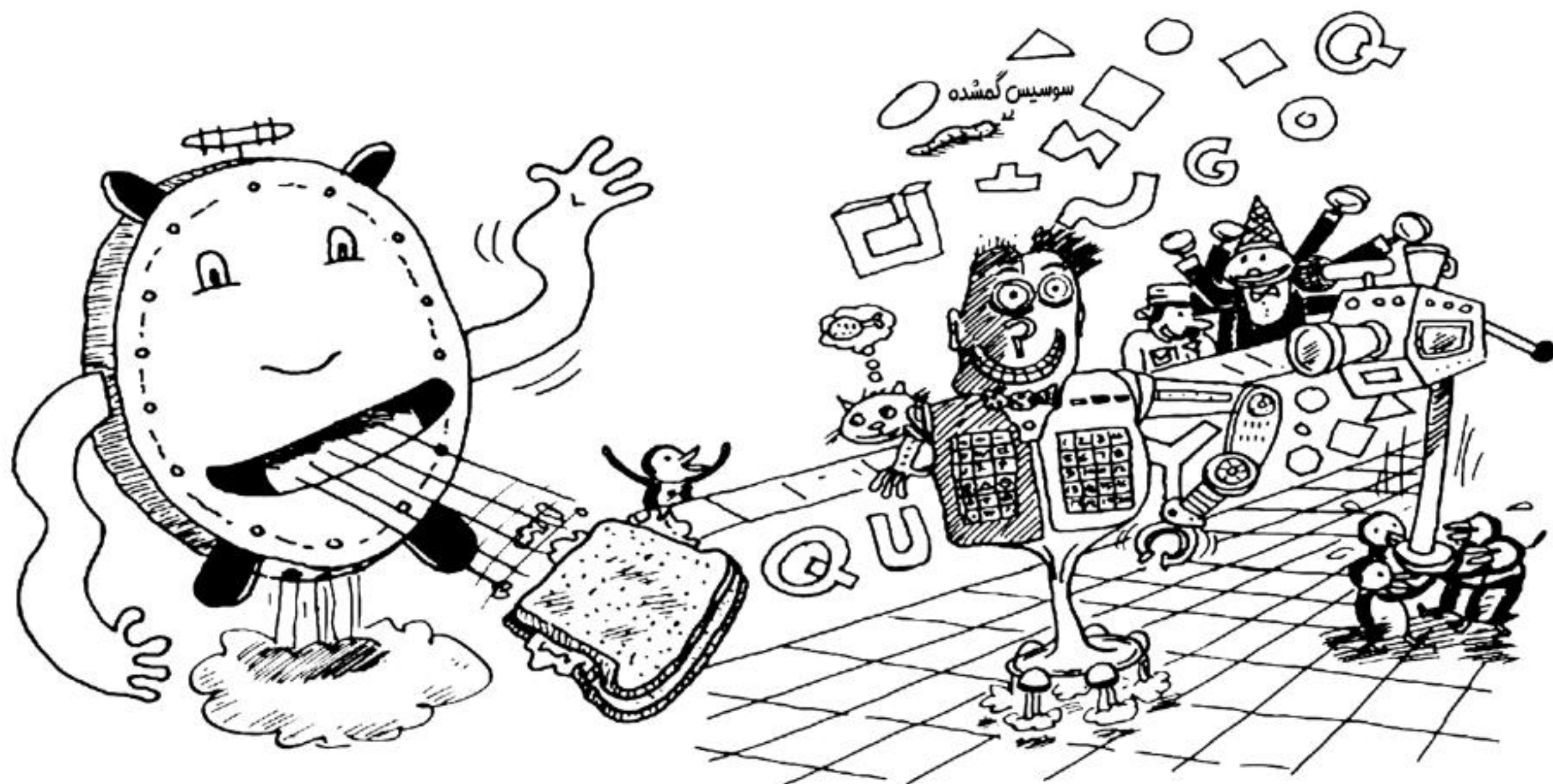




یک طبقه شکستن رکورد جهانی،



یک ماشین ساندویچ ساز ذهن خوان شگفت انگیز (دقیقاً می داند که شما چه نوع ساندویچی می خواهید و آن را برایتان درست می کند)،



یک طبقه مسابقه تلویزیونی دانستنی ها که توسط کوییزی، ربات پرسشگر اجرا می شود.

یک دفتر اموال گمشده،



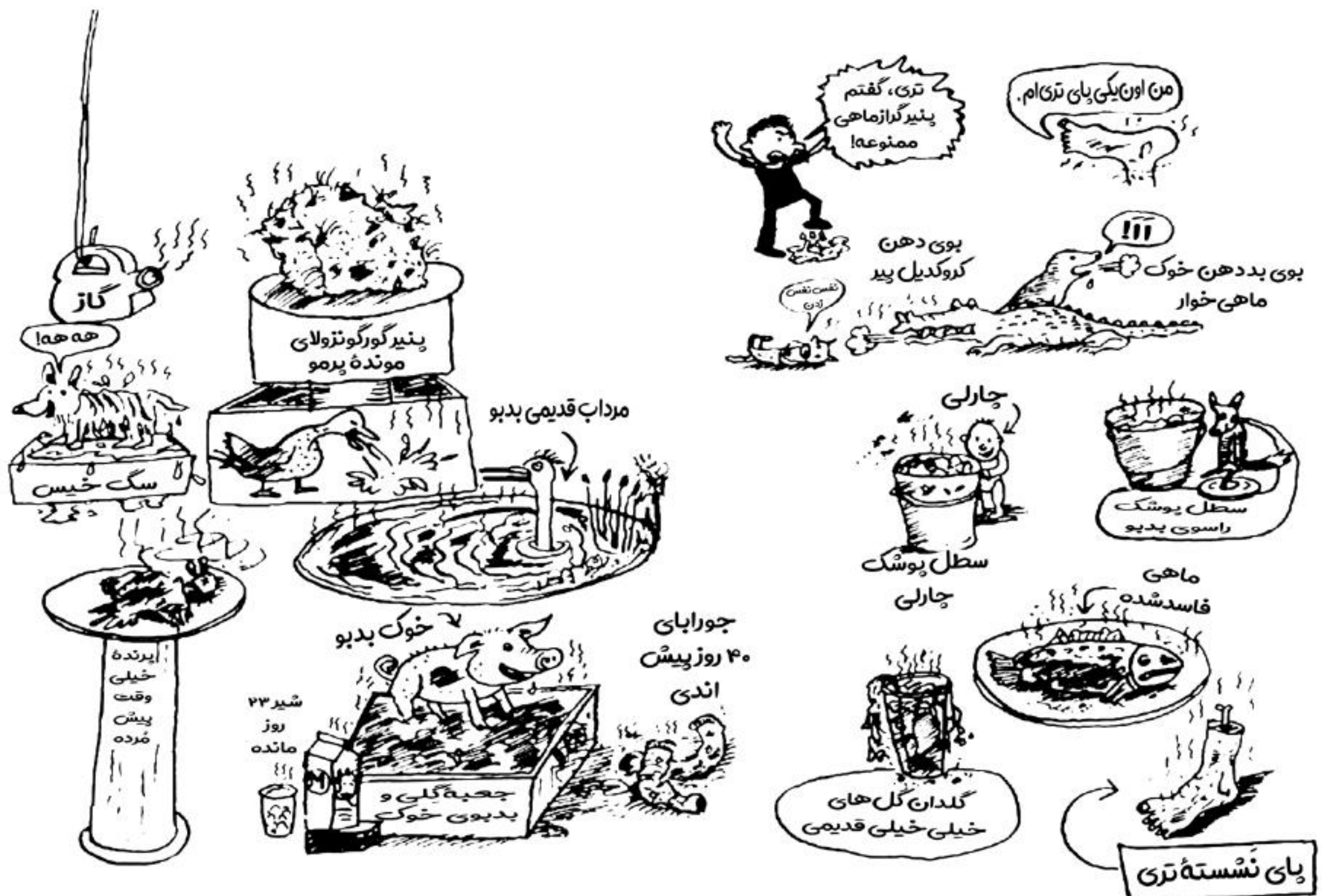
یک دفتر سوسیس گمشده،



طبقه قاشق‌ها،



طبقه چیزهای خیلی بدبو،



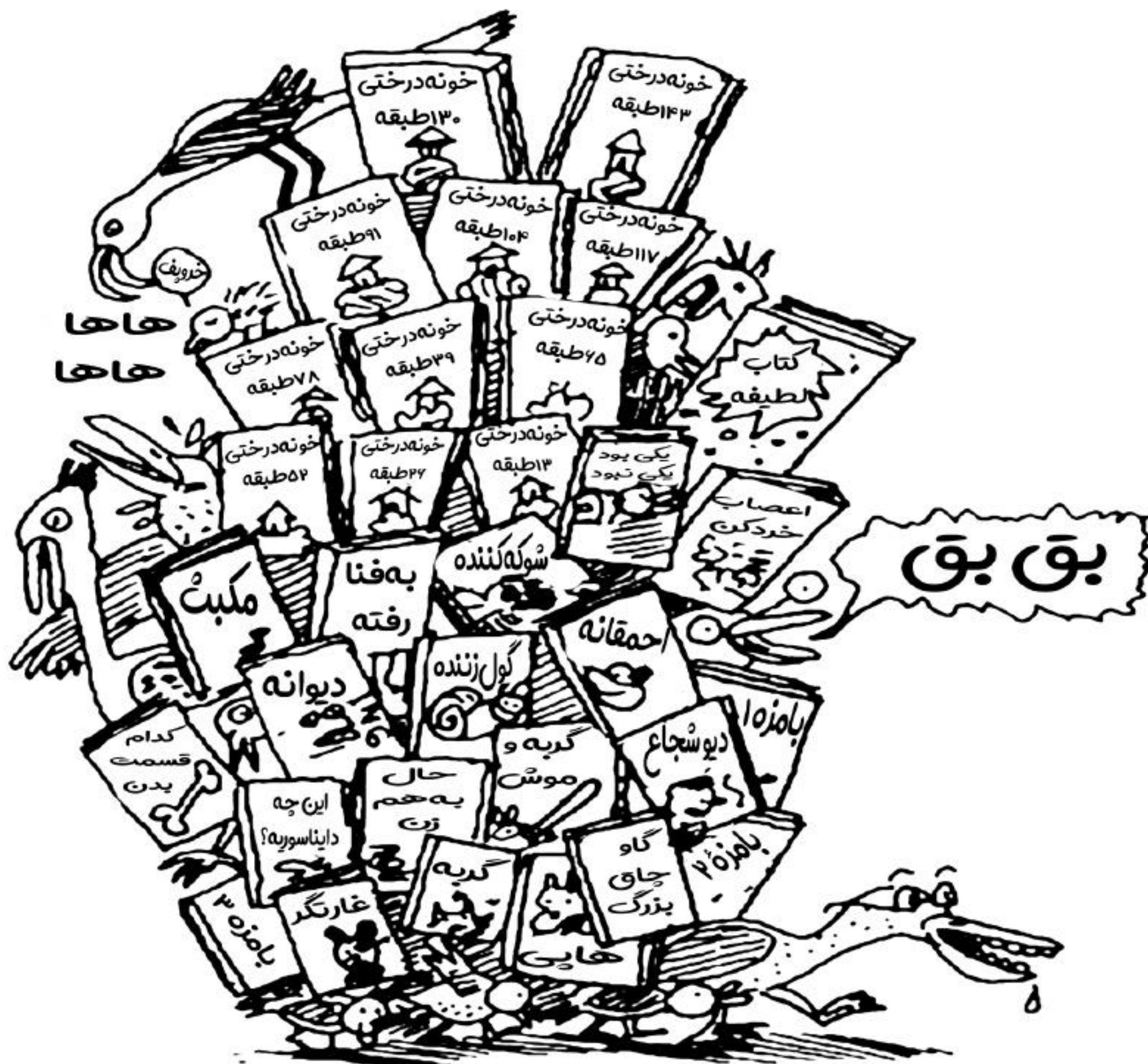
و طبقه بیلیون ها پرنده.



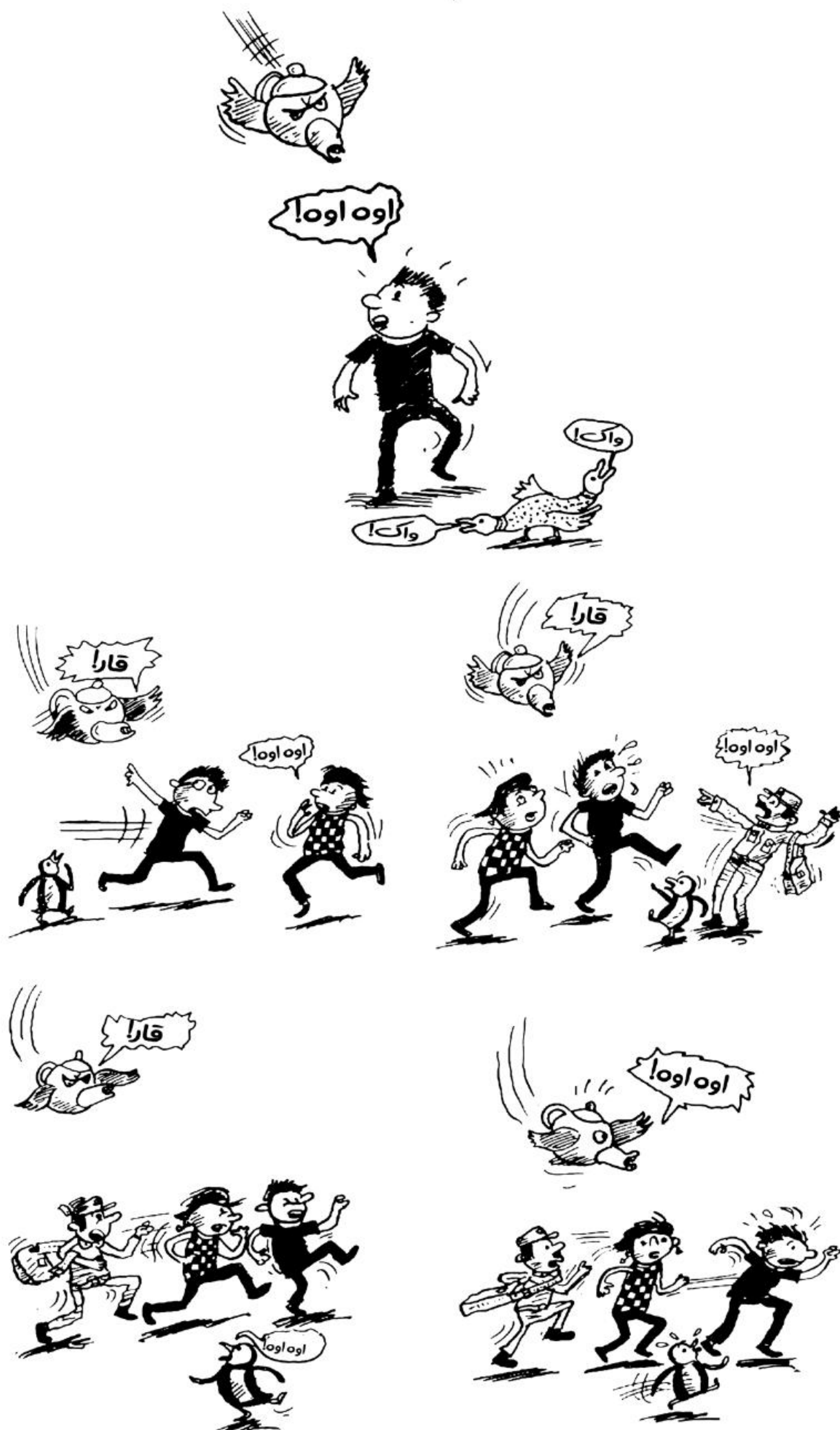
خانه درختی علاوه بر این که خانه ماست، جایی است که در آن با هم کتاب می نویسیم. من می نویسم و تری نقاشی ها را می کشد.



همان طور که می بینید، مدتی است که ما این کار را انجام می دهیم.



گاهی اوقات همه چیز یک دفعه به هم می ریزد.



اما ما همیشه آخرش کتابمان را تمام می‌کنیم!



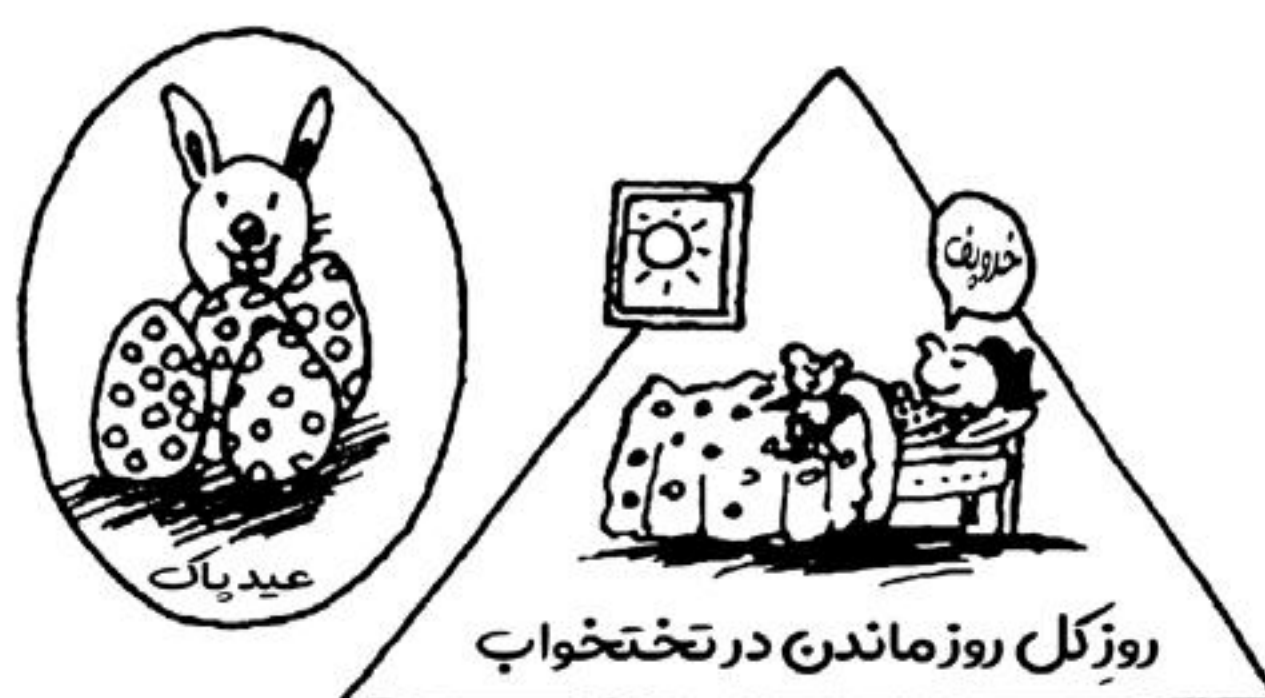
فصل دوم: تعطیلات شاد



اگر شما هم مانند بیشتر خوانندگان ما باشید، احتمالاً برایتان این سؤال پیش آمده که ما چه تعطیلاتی را در خانه درختی جشن می‌گیریم. خب، ما همه تعطیلات را جشن می‌گیریم، چه آن‌هایی که وجود دارند، چه آن‌هایی که وجود ندارند!







تری می‌گوید: «هی، یادت می‌آد پارسال روز گرگ بد بزرگ، اون گرگ بد بزرگ اومد خونه درختی و گفت: "اندی و تری، بذارید پیام تو؟"»

